



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی  
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور  
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،  
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری  
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با  
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،  
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تأکید بر پناه‌جویان زیست‌محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان  
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک  
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها  
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی  
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت  
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان  
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه  
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائلی، آرش ملک  
جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری  
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -  
محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی  
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی  
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی  
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی  
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی  
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی  
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان  
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم  
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم‌انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری  
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،  
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی  
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند  
میانجیگیری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



## Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat

## ارزیابی فقهی حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات

Ali Mohammadi Jurkoye

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran

علی محمدی جورکویه

استادیار گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران  
amgl34325@yahoo.com

Ahmadreza Emtehani

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

احمدرضا امتحانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)  
emtehaniahmadreza@gmail.com  
http://orcid.org/0000-0002-0253-0342

Javad Naderi ooj Boghzi

Student outside Qom seminary, PhD student in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Aras International Campus, Aras, Iran

جواد نادری عوج بغزی

طلبه دروس خارج حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، ارس، ایران

njavad71@gmail.com  
http://orcid.org/0000-0002-7440-8012

### Abstract

Basically, Multiplicity of crimes are committed by criminals who have a dangerous state. As a result, it is necessary to examine this issue in a special way. In Iran's penal system, the subject of multiplicity of crimes (especially material multiplicity) has faced many changes to the extent that the legislator has given a new form to these issues by approving the Islamic Penal Law approved in 2013 and then in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment, approved in 2019. These noticeable changes have faced the writers with a challenging problem; The question that exists is that the material multiplicity of crime (Hodood, Retaliation and Diat) from the perspective of Iranian jurisprudence and criminal laws includes what branches and topics? According to the jurisprudential background, the issues of interference and non-interference of causes and the viewpoints of Khamsa religions can be proposed and evaluated in this field. From the point of view of Iranian criminal law, cases such as Article 132 of the Islamic Penal Code and the exceptions listed in its notes are among the main topics of this issue that have been examined in this article. This research is written in a descriptive-analytical way in a library style.

**Keywords:** Multiplicity of Crimes, Jurisprudence, Criminal Law, Hodood, Retaliation Diat.

### چکیده

اصولا، تعدد جرم توسط بزه‌کارانی که دارای حالت خطرناک هستند، رخ می‌دهد. در نتیجه لازم است تا این موضوع به صورت ویژه بررسی گردد. در نظام جزای ایران، مبحث تعدد جرم (خصوصا تعدد مادی) با تغییرات زیادی مواجه بوده تا آنجایی که مقنن با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بعد از آن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹ شکل نوینی به این مبحث داده است که این تغییرات محسوس نگارندگان را با مسئله‌ای چالش برانگیز مواجه نموده است؛ سؤالی که وجود دارد این است که تعدد مادی جرم (حدود، قصاص و دیات) از منظر فقه و قوانین کیفری ایران شامل چه شاخه و مباحثی است؟ وفق پیشینه فقهی، مباحث تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات و نظریه جب و دیدگاه‌های مذاهب خمس در این زمینه قابل طرح و ارزیابی است. از نگاه حقوق کیفری ایران، مواردی از قبیل ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی و استثنائات مندرج در تبصره‌های آن، نحوه اجرای مجازات حدی در فرض تعدد جرایم حدی و... جزو مباحث اصلی این موضوع است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای، به صورت توصیفی-تحلیلی نگارش شده است.

**واژگان کلیدی:** تعدد جرم واقعی، فقه، حقوق کیفری، حدود، قصاص، دیات.

Received: 2022/08/15 - Review: 2022/09/09 - Accepted: 2022/11/13

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴ - بررسی مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

ارجاع:

محمدی جورکویه، علی؛ امتحانی، احمدرضا؛ نادری عوج بغزی، جواد؛ (۱۴۰۱)، ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

## مقدمه

تعدد جرم زمانی محقق می‌شود که بزهکار پس از ارتکاب جرم نخست و پیش از آن‌که محکومیتش به موجب حکم مرجع صالح قضایی، قطعی گردد، جرمی دیگر از آن نوع یا از نوعی دیگر انجام دهد (تعدد مادی) یا آن‌که رفتار وی مشمول قواعد تعدد معنوی یا نتیجه گردد. تعدد جرم که جزو مباحث مبتلا به است؛ از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی آن، یعنی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تغییر و تحولات زیادی داشته است و در کنار مبحث تکرار، دارای چالش‌هایی بوده است؛ به صورتی که حقوقدانان بسیار به این موضوع پرداخته و در مسیر رفع این مسائل حرکت کرده‌اند.

در واقع، با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، شکل جدیدی از مقررات پیرامون مباحث یاد شده، نمایان شد که در عمل دارای چالش‌ها و زوایای پنهانی است. مشخص است شخصی که چند جرم انجام می‌دهد جزو مجرمین خطرناک است و مجدداً هم احتمال ارتکاب جرم از وی می‌رود (چه به صورت تعدد و چه به صورت تکرار). بنابراین، لازم است که مقنن، سیاست کیفری مناسبی در خصوص مباحث تعدد و تکرار داشته باشد و تا جایی که ممکن است مواد قانونی مرتبط با این مباحث به صورتی تصویب شوند که دچار خلأ، سکوت و ابهام نشوند. در بسیاری از کشورها، شخصی که چند بزه انجام داده (تعدد یا تکرار جرم)، به دلیل رفتاری بزهکارانه‌ای که در وجود او رسوخ کرده، مقنن در قوانین جزایی، کیفر سنگین‌تری را برای وی لحاظ می‌کند؛ زیرا، این کیفر سبب گرد تا مرتکب در کنار اصلاح

و بازپروری با روحی پاک‌تر از گذشته و بدون وجود حالت خطرناک به سوی جامعه بازگردد. در این مقاله به یکی از مهم‌ترین انواع تعدد یعنی تعدد مادی، از نگاه فقه و حقوق کیفری ایران، پرداخته شده است. تعدد مادی به این معنا است که مجرم مرتکب دو یا چند عمل جدای از هم شود که هر کدام، به صورت مستقل، دارای ارکان جرم می‌باشند؛ حال احتمال دارد جرایم مشابه و یا متفاوت باشند (نوربها، ۱۳۸۱، ۴۵۱). در واقع، پژوهش حاضر به بررسی مباحث اصلی تعدد جرم در فقه و مقررات مربوط به آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یعنی جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه پرداخته است که در بردارنده مباحثی نظیر نظریه جب و دیدگاه‌های مذاهب خمس و نحوه اجرای مجازات حدی در فرض تعدد جرایم حدی و... است. این مقاله با شیوه کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی به این مهم پرداخته و از منابع معتبر در این خصوص اعم از کتاب و مقاله بهره برده است. وجه تمایز و نوآوری موضوع این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها با موضوعات مشابه این است که این مقاله در کنار مباحث حقوق کیفری (در خصوص موضوع مزبور) به پیشینه فقهی آن نیز پرداخته است؛ در صورتی که در حال حاضر، پژوهشگران، توأمان با مباحث حقوق جزا به ریشه اصلی این مقررات یعنی فقه، اشاره نکرده‌اند.

## ۱- تعدد جرم در فقه

در حقوق جزای اسلام در مواجهه با تعدد جرم نظرات متفاوتی بیان شده است که طی سه بند به آن‌ها پرداخته شده است.

### ۱-۱- نظریه عدم تداخل اسباب و مسببات

در حقوق جزای اسلام نظریه‌ای وجود دارد که بیانگر آن است که هر جرمی، مجازات خاص خود را دارد و در صورت تعدد جرم مجازات هر جرمی جداگانه باید اعمال گردد. این نظریه از قاعده فقهی «جمع اسباب و مسببات» گرفته شده است. این قاعده بدان معنا است که هر سببی مستقلاً مسبب خود را به وجود می‌آورد و اگر هر جرمی را به مثابه سبب و مجازات را مسبب تلقی می‌کنیم با ارتکاب هر جرم مجازات آن نیز تحقق می‌یابد که در این صورت با تعدد جرایم، مجازات‌ها نیز متعدد و در نتیجه با هم جمع می‌شوند. به عبارت دیگر اجمال این قاعده این است که هر سبب شرعی یا حقوقی موجب تحقق نتیجه آن که مسبب است، می‌شود می‌توان با مسامحه گفت که سبب همان علت است و مسبب همان معلول و هر علتی، معلول خاص خود را خواهد داشت. پس چنانچه علت‌ها متعدد شوند به طور طبیعی معلول نیز متعدد

می‌شود. اگر این قاعده به دلیل خاصی قابل نقض باشد در این صورت گفته می‌شود که اسباب با یکدیگر تداخل کرده و مسبب واحدی را به وجود می‌آورند که به آن قاعده تداخل اسباب و مسببات گفته می‌شود (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ۲۲۴).

## ۲-۱- نظریه تداخل اسباب و مسببات

این نظریه بیانگر آن است که اگر شخصی مرتکب جرایم متعدد شود فقط یک مجازات برای جرایم ارتكابی او اعمال و اجرا می‌شود. به عبارت دیگر منظور از تداخل کیفر این است که در جرایم متعدد، مجازات‌ها با یکدیگر ادغام می‌شوند به این نحو که برای ارتكاب جرایم متعدد بیش از یک مجازات بر مرتکب تحمیل نمی‌شود (الزحیلی، ۱۹۸۹م، ۶۴).

فقه اهل سنت (عامه) عموماً در بحث تعدد جرایم و مجازات‌ها، به تداخل در حقوق الله و عدم تداخل در حقوق الناس قائل است. به این صورت که اگر جرایم ارتكابی از جنس حقوق الله باشند مجازات‌ها تداخل کرده و فقط یک مجازات اجرا می‌شود ولی اگر جرایم ارتكابی از جنس حقوق مردم باشند مجازات‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند. به طور کلی در فقه اهل سنت (عامه) تداخل در دو حالت به وجود می‌آید: یک- جرایم متعدد از یک نوع باشند: اگر جرایم ارتكابی متعدد از یک نوع باشند مجازات‌ها تداخل کرده و فقط یک مجازات اعمال و اجرا می‌شود. به عبارت دیگر هرگاه جرایم متعدد از یک نوع باشند یعنی با هم از یک سنخ باشند و نه از سنخ‌های متعدد، تداخل صورت می‌گیرد و فرقی نمی‌کند که این مجازات‌ها از جنس جرایم حدی باشند یا تعزیری (فتحی بهنسی، ۱۹۸۸م، ۱۳۲). فلسفه چنین برداشتی این است که مجازات واحد برای تحقق اهداف مجازات‌ها که همان زجر و تادیب است کفایت می‌کند و هرگاه نوع جرایم ارتكابی و میزان مجازات معینه آن‌ها یکسان باشد دیگر نیازی به تکرار مجازات نیست (الهام، ۱۳۷۲، ۱۵۵). دو- هدف از مجازات‌ها، حمایت از مصالح یکسان و واحدی باشد: حالت دوم در اعمال قاعده تداخل زمانی رخ می‌دهد که علاوه بر مختلف بودن جرایم و مجازات‌های، شارع از مجازات مقرر در این نوع جرایم اهداف حمایت از مصالح واحد و یکسانی را داشته باشد. به عبارت دیگر در این حالت جرایم مختلف بوده و مجازات آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد اما شارع به منظور رسیدن به اغراضی واحد و حمایت از ارزش‌هایی یکسان این اعمال متفاوت را مجرمان اعلام می‌کند. به عنوان مثال ممنوعیت شرب خمر و خوردن گوشت مردار که همگی به منظور حمایت از سلامت اشخاص وضع شده است. اما در این مورد اگرچه جرایم متفاوت است ولی مرتکب فقط به یک مجازات محکوم می‌گردد (الهام، ۱۳۷۲، ۱۵۵).

در فقه امامیه قاعده تداخل فقط در جرایم حدی اعمال می‌شود و آن هم در صورتی است که جرم ارتكابی حدی مشابه باشند که در این صورت فقط یک حد بر مرتکب اعمال می‌شود. این رویکرد با حالت اول از قاعده تداخل در فقه اهل سنت (عامه) همپوشانی دارد. مانند این که شخصی مرتکب چند بار شرب خمر شود که فقط یک حد بر او جاری می‌گردد. اما با حالت دوم از قاعده تداخل در فقه اهل سنت (عامه) که بر مبنای وحدت مصالح و اهداف مجازات است مخالف است و قائل به قاعده تداخل در این حالت نیست.

در خصوص قاعده عدم تداخل در شرح لمعه این چنین بیان شده است: در جمع میان تازیانه و سنگسار، تازیانه بر سنگسار مقدم می‌شود تا امکان اجرای هر دو آن‌ها فراهم باشد. البته بنا بر نظر قوی‌تر واجب نیست برای تازیانه زدن زانی صبر کرد تا جراحت آن بهبود یابد. به این دلیل که اصل بر عدم وجوب است، هر چند که به تأخیر انداختن سنگسار رنج بیشتری برای زانی به همراه دارد. در روایتی چنین آمده است که امام علی (ع) پنج شنبه به زنی تازیانه زد و سپس وی را جمعه سنگسار کرد، این حکم اختصاصی به جمع میان تازیانه و سنگسار ندارد، بلکه به موردی اشاره دارد که اگر اجرای یک حد زمینه اجرای حد دیگر را از بین ببرد، باید جمع میان آن دو به نحوی باشد که امکان اجرای همه آن‌ها فراهم باشد پس در این مورد تازیانه مقدم بر اجرای سنگسار است (شهید ثانی، ۱۳۸۴، ۶۲).

### ۳-۱- نظریه جب و دیدگاه‌های مذاهب خمس در این زمینه

قاعده جب از جمله قواعد فقهی است که به استناد آن در مواردی از اعمال مجازات جلوگیری می‌شود. از این رو در این بند قصد داریم ضمن تبیین این قاعده به دیدگاه‌های مذاهب خمس در این زمینه نیز پردازیم.

#### ۱-۳-۱- تبیین قاعده

جب در لغت به معنی ترک کردن، قطع نمودن و بریدن است (عمید، ۱۳۵۷، ۲۳۶). در شریعت مفهوم عرفی قاعده جب چنین است که هر فعل یا ترک فعل و اعتقاد یا عدم اعتقاد و هر قولی که در جاهلیت بر آن عقوبت و کیفری مترتب نبوده اما در اسلام دارای آثار و کیفر می‌باشد، با مسلمان شدن کافر اثری بر آن مترتب نمی‌گردد. در واقع می‌توان گفت که قاعده جب یک حکم امتنانی است که به جهت تشویق کفار در گرایش به اسلام صادر گشته که اعلام می‌دارد کافرانی که به دلیل اعمال زشت و گناهان گذشته خود، ترس این دارند که اگر مسلمان شوند در آسایش و امنیت نخواهند بود و نسبت به اعمال بد خود بازخواست می‌شوند، مطمئن باشند، این طور نیست بلکه چنانچه مسلمان شوند، مجازات، کفاره یا قضاء

عباداتی که نداده‌اند از عهده آن‌ها برداشته می‌شود (لطفی، ۱۳۷۷، ۵۵). اما در خصوص تعدد مجازات‌ها منظور از این قاعده یعنی اکتفاکردن به اجرای مجازاتی که از اجرا و اعمال سایر مجازات‌ها ممانعت به عمل می‌آورد و فقط در مورد مجازات‌های سالب حیات اتفاق می‌افتد، چرا که کشتن مجرم، ضرورتاً اجرا و اعمال سایر مجازات‌ها را غیرممکن می‌سازد. بنابراین مجازات‌های سالب حیات در شریعت تنها مجازات‌هایی هستند که سایر مجازات‌ها را در خود فرا می‌گیرند (اشرف، ۱۳۸۵، ۳۸).

گاهی مرتکب بابت جرایم ارتكابی به مجازات‌های مختلفی محکوم شده و قاعدتاً باید کلیه مجازات‌ها در مورد او اجرا شود اما با این وجود ماهیت بعضی از مجازات‌ها به گونه‌ای است که اجرای آن‌ها مانع اجرای سایر مجازات‌ها می‌شود و در واقع اجرای این مجازات‌ها موجب می‌شود که اجرای مجازات‌های دیگر غیرممکن شود. در چنین وضعیتی به اجرای همان مجازاتی که اجرائش مانع از اجرای سایر مجازات‌ها است اکتفا می‌شود (عوده، ۱۳۹۳ق، ۴۲۴). به‌عنوان مثال مجازات اعدام مانع اجرای مجازات‌های دیگری مانند حبس، شلاق و... می‌شود.

#### ۲-۳-۱- دیدگاه فقهای مذاهب خمسّه

در قاعده جب در فرض همراه‌شدن مجازات‌های مختلف با مجازات‌های سالب حیات، فقهای شیعه و شافعی قائل به عدم تداخل و لزوم اجرای سایر مجازات‌ها پیش از مجازات‌های سالب حیات هستند. اما در مقابل دیگر مذاهب اسلامی در این خصوص قائل به تداخل شدند. بنابراین در این قسمت به طور مختصر به بیان نظریه‌های مذاهب خمسّه در رابطه با قاعده جب می‌پردازیم:

##### ۱-۲-۳-۱- فقه مالکی

مالک معتقد است هر حدی که با قتل (در این جا منظور از قتل، مجازات‌های سالب حیات است اعم از این که در مقام قصاص نفس باشد یا اعدام) جمع شود. فقط قتل اجرا می‌شود مگر این که آن حد قذف باشد که در این صورت ابتدا حد قذف اجرا شده و پس از آن قتل (مجازات‌های سالب حیات) اجرا می‌شود (الهام، ۱۳۷۲، ۵۱).

##### ۲-۲-۳-۱- فقه حنبلی

عقیده احمد حنبل بر آن است که در صورت اجتماع قتل (مجازات‌های سالب حیات) و حدود، اگر آن حدود از حقوق الله باشد قاعده جب اجرا می‌گردد و فقط مجازات قتل اعمال می‌شود. اما اگر آن حد از

حقوق الناس باشد با مجازات قتل جمع می‌شود به بیان دیگر، در اجتماع قتل با حدودی از جنس حقوق الله مجازات‌ها تداخل می‌کند ولی در اجتماع قتل با حدودی از جنس حقوق الناس مجازات‌ها تداخل نکرده و با یکدیگر جمع می‌شوند (بهوتی، ۱۴۱۸ق، ۱۰۴).

### ۳-۲-۱-۳- فقہ حنفی

ابوحنفیه معتقد است؛ در اجتماع حدود متعدد با یکدیگر، ضمن تقدم حقوق الناس بر حقوق الله، چنانچه اجرای یک حد موجب انتفای امکان اجرای دیگر مجازات‌ها شود این نوع از مجازات اجرا شده و دیگر مجازات‌ها رها می‌شود. به طور مثال اگر کسی مرتکب قتل عمدی، شرب خمر و زناى محصنه شده باشد مرتکب فقط از باب قصاص کشته می‌شود و حدود زنا و شرب خمر ساقط می‌گردد (رجایی پور و ناصری، ۱۳۸۹، ۱۰۶).

### ۴-۲-۱-۳- فقہ شافعی

فقه شافعی قائل به قاعده جب و تداخل مجازات‌ها نیست و اعتقاد به اجرای تمام مجازات‌ها دارد به این نحو که ابتدا حقوق الناس اجرا شده و سپس حقوق الله اجرا گردد. البته باید گفت که در هر دو صورت قتل بعد از همه اجرا می‌شود بدین شکل که یکی موجب از بین رفتن محل دیگری نشود. مثلاً شخصی مرتکب سرقت حدی، شرب خمر، زناى غیر محصنه و قتل شده است که در این صورت همه مجازات‌ها در مورد وی اجرا می‌شود ولی با اجرای مجازات قصاص اعمال دیگر مجازات‌ها بی‌فایده است. لذا در این مورد اجرای مجازات قصاص پس از اعمال دیگر مجازات‌ها است (عوده، ۱۳۸۹، ۱۵۸).

### ۵-۲-۱-۳- فقہ امامیه

فقه امامیه نیز همچون فقه شافعی قاعده جب را نپذیرفته و اعتقاد به جمع مجازات‌ها دارد به این نحو که اجرای یک مجازات مانع اجرای مجازات دیگر نشود (الهام، ۱۳۷۲، ۵۴). به عبارت دیگر چنانچه حدود متعددی بر مرتکب جمع شده باشد ابتدا باید از حدی شروع کرد که اجرای آن موجب فوت حدود دیگر نشود. برای مثال چنانچه بر کسی حد و رجم لازم باشد ابتدا حد و سپس رجم اجرا می‌شود (خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۱۷). از جمله روایتی که در این خصوص وجود دارد آن است: امام صادق (ع) درباره مردی که دستگیر شده و باید حدود متعددی بر وی جاری شود که یکی از آن‌ها قتل است فرمودند: امیرالمومنین این گونه عمل می‌کرد که ابتدا حدودی غیر از قتل را بر وی جاری می‌کرد و سپس او را می‌کشت و نباید



برخلاف حکم امیرالمومنین حکم کرد (العاملی، ۱۴۴۱ق، ۲۸۴).

## ۲- تعدد واقعی جرم در حقوق موضوعه

در مورد تعدد مادی، بایستی بیان داشت که فعل و نتایج آن متعدد است (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۵۵)؛ «در تعدد نتیجه نیز نتایج متعدد است و از این جهت این دو مشابهند» (حاجی ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۴). در واقع، منظور از تعدد واقعی که به تعدد مادی یا رفتاری هم شهرت دارد این است که شخصی مرتکب چندین جرم اعم از مشابه (مانند چند بار کلاهبرداری) یا مختلف (مانند کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت) شده ولی هنوز در خصوص هیچ‌یک از این رفتارها حکم محکومیت قطعی صادر نشده است. به عبارت دیگر، در تعدد واقعی با حالتی مواجهیم که مجرم عناصر مادی جرائم مستقل از یکدیگر را انجام داده ولی در مورد هیچ‌یک از آن‌ها حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد، خواه جرایم متعدد در دوره زمانی کوتاه ارتکاب یافته و زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد (حیدری، ۱۳۹۶، ۲۴۲).

با این حال مقنن با توجه به انواع جرایم (حد، قصاص، دیه و تعزیر) احکام متفاوتی را در مورد تعدد جرایم مزبور بیان داشته که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است.

### ۱-۲- تعداد واقعی در جرایم مستوجب حد

در این قسمت ضمن بررسی ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و استثنائات مندرج در تبصره‌های آن که مشتمل بر تعدد واقعی در جرایم مستوجب حد است به نحوه اجرای مجازات حدی مرتکب در فرض تعدد جرایم حدی نیز پرداخته شده است.

#### ۱-۱-۲- بررسی ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و استثنائات مندرج در تبصره‌های آن

در خصوص جرایم موجب حد قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر داشته است: «در جرایم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرایم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد.» این ماده در خصوص فردی می‌باشد که چند جرم حدی مرتکب شده است (غفوری، ۱۳۹۹، ۱۶۶).

با توجه به این ماده می‌توان اذعان داشت، چنانچه جرایم متعدد همگی مشمول عنوان حد باشند، تعدد جرایم مستوجب حدی از این چهار حالت خارج نیست؛ حالت اول: نوع جرایم حدی و مجازات آن‌ها

مختلف باشد: در این حالت تعدد جرم موجب تعدد مجازات است و مجازات جرایم متعدد با یکدیگر جمع می‌شوند. به عنوان مثال اگر کسی مرتکب شرب خمر، زنا و سرقت مستوجب حد شود برای ارتکاب هر یک از این جرایم، مجازات حدی مقرر در قانون تعیین و همگی بر وی تحمیل می‌شود (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۵۶).

حالت دوم: نوع جرایم حدی یکسان ولی مجازات آن‌ها متفاوت باشد: در این حالت نیز از روش جمع مجازات‌ها تبعیت می‌شود و مجازات جرائم متعدد با هم جمع می‌شوند. بنابراین، اگر شخصی مرتکب یک فقره زنا یا غیرمحصنه و یک فقره زنا یا محصنه شود هر چند نوع جرایم ارتکابی یکسان است اما چون مجازات آن‌ها با یکدیگر متفاوت است به مجازات هر دو محکوم می‌گردد، همچنین اگر شخصی مرتکب یک بار لواط موجب شلاق و بار دیگر مرتکب لواط موجب اعدام شود چون جرایم ارتکابی حدی یکسان، ولی مجازات آن‌ها متفاوت است به هر دو آن مجازات‌ها محکوم می‌شود (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۵۴). حالت سوم: نوع جرایم حدی متفاوت ولی مجازات آن‌ها یکسان باشد: در این حالت نیز قاعده جمع مجازات اعمال شده و مرتکب به همه جرایم ارتکابی محکوم می‌گردد. بنابراین اگر فردی مرتکب قذف و شرب خمر شود که مجازات هر یک از آن‌ها هشتاد ضربه شلاق است مرتکب از حیث جرایم ارتکابی جمعاً به یکصد و شصت ضربه شلاق محکوم می‌شود (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۵۵). حالت چهارم: نوع جرایم حدی و مجازات آن‌ها یکسان باشد: در این حالت تعدد جرم موجب تعدد مجازات نیست و تنها یک مجازات اعمال می‌شود بنابراین اگر کسی مرتکب سه فقره سرقت مستوجب حد یا چهار فقره شرب خمر شده باشد فقط یک حد بر وی اعمال می‌شود (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۵۵).

با این وجود، طبق تبصره‌های ذیل ماده ۱۳۲ چهار استثناء بر قاعده جمع مجازات‌ها وجود دارد؛ استثنای اول زمانی است که رفتارهای متعدد حدی مشمول مجازات‌های مختلف اعدام و حبس یا اعدام و تبعید باشد که در این صورت به جای جمع مجازات‌ها فقط مجازات اعدام اجرا می‌شود. در این باره تبصره یک ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود.»

استثنای دوم در صورتی است که جرایم متفاوت حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند که در این حالت به جای جمع مجازات‌ها فقط مجازات اشد به اجرا در خواهد آمد. تبصره دو ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه

باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود، مانند تفسیح در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود. « البته باید توجه داشت که فقط در جایی که جرایم متفاوت حدی «در راستای هم» و «در یک واقعه» اتفاق افتاده باشند این حکم جاری است. بنابراین اگر وقایع متعدد باشد، براساس صدر ماده ۱۳۲ مجازات‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند؛ به‌عنوان مثال اگر آقای «الف» و آقای «ب» امروز مرتکب تفسیح شوند و سه روز بعد مرتکب لواط گردند چون این دو جرم در یک واقعه نبوده، مرتکبین به هر دو مجازات (حد لواط و تفسیح) محکوم می‌شوند (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۵۷). همچنین در خصوص مثالی که قانون‌گذار در قسمت اخیر تبصره دو ماده ۱۳۲ آورده است باید بیان داشت که نحوه نگارش آن به صورتی است که می‌توان گفت که اگر فردی به ارتکاب جرم لواط مبادرت کرده باشد قطعاً مرتکب تفسیح هم شده است (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۰۲).

استثنای سوم برابر تبصره سه ماده ۱۳۲: «اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود.» این تبصره مربوط به جرم زنا است و آن زمانی است که زانی و زانیه واحد باشند، بنابراین اگر زانی و زانیه واحد، به دفعات با یکدیگر مرتکب زنا شوند هرچند مشمول احکام متفاوتی گردند، تنها اعدام یا رجم در مورد آن‌ها اجرا می‌گردد. به‌عنوان مثال اگر مردی مجرد با زنی قبل از آن که به همسری پدرش درآید، زنا کند (مستوجب مجازات جلد) و پس از ازدواج آن زن با پدرش نیز مجدداً با او زنا کند (مستوجب مجازات اعدام)، در این صورت تنها مجازات اعدام اجرا می‌شود؛ یا اگر مردی یک بار در ایام تجرد (مستوجب مجازات جلد) و بار دیگر در ایام تاهل (مستوجب مجازات رجم) با زن واحدی مرتکب زنا شود، تنها مجازات رجم اجرا می‌شود؛ لذا اگر زانی یا زانیه حسب مورد متفاوت باشند مشمول حکم ارفاقی تبصره مزبور قرار نمی‌گیرند و براساس صدر ماده اعمال مجازات صورت می‌گیرد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۵۷). لازم به توضیح است که اگر مجازات اعدام یا رجم مندرج در تبصره مزبور به هر دلیل به شلاق تبدیل شود هر دو مجازات اجرا می‌گردد و در این مورد تعدد جرم موجب تعدد مجازات است (ماده ۲۴ آئین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸).<sup>۱</sup>

۱- ماده ۲۴: در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی فقط مجازات اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود و در صورتی که مجازات رجم به استناد ماده ۲۲۵ این قانون به شلاق تبدیل شود، هر دو مجازات اجرا می‌شود.

استثنای چهارم در مورد جرم قذف می‌باشد. حکم مندرج در تبصره چهارم که مخصص قسمت اخیر ماده ۱۳۲ است مقرر می‌دارد: «چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد.» اما این مطلب به آن معنا نیست که در جرم قذف همواره چند مجازات اعمال می‌گردد، بلکه باید گفت که در جرم قذف احکام متفاوتی وجود دارد که به تعدد مرتکبین، نحوه قذف و نیز نحوه شکایت مقدوفین بستگی دارد. در این خصوص باید مواد ۲۵۶ تا ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مبنی تبصره چهارم ماده ۱۳۲ قرار داد.

#### ۲-۱-۲- نحوه اجرای مجازات حدی در فرض تعدد جرایم

در خصوص تقدم و تأخر اجرای مجازات در تعدد جرایم مستوجب حد باید گفت، اگر شخصی به چند مجازات حدی مختلف محکوم شود که یکی از آنها حد قذف باشد، در صورت مطالبه فوری صاحب حق، اجرای مجازات حد قذف مقدم بر دیگر مجازات‌های حدی است (تبصره دو ماده ۱۷ آئین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸)<sup>۲</sup>. همچنین در مواردی که در مورد تقدم اجرای مجازات، حکمی در قانون وجود ندارد اجرای مجازات‌ها باید به نحوی باشد که اجرای یکی از مجازات‌ها زمینه اجرای مجازات دیگر را از بین نبرد. به‌عنوان مثال اگر فردی به اعدام حدی و شلاق حدی محکوم شده باشد (با عنایت به این که در مورد محکومیت به اعدام حدی و شلاق حدی حکمی در قانون وجود ندارد) بنابراین مورد مشمول ماده ۲۶ آئین‌نامه مزبور بوده و چون با اجرای مجازات اعدام زمینه اجرای مجازات شلاق از بین می‌رود، ابتدا شلاق و سپس اعدام اجرا می‌گردد.

#### ۲-۲- تعدد واقعی در جرایم مستوجب قصاص

قصاص مجازاتی است که به موجب حکم مندرج در قانون و توسط بزه دیده یا ولی دم قانونی وی علیه مجرم به کار بسته می‌شود و باید دقیقاً همانند جرمی باشد که از سوی مجرم ارتکاب یافته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۵۴۵). قانون‌گذار در مواد ۱۳۱ الی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها به قواعد مربوط به تعدد جرایم مستوجب حد و تعزیر پرداخته است و قواعد تعدد جرایم موجب قصاص و دیه را حسب مورد به کتاب سوم (قصاص) و کتاب چهارم (دیات) ارجاع داده است. از این رو نظام تعدد

۲- تبصره ۲: اجرای حد قذف در صورت مطالبه فوری صاحب حق بر اجرای دیگر مجازات‌های حدی مقدم است.

در جرایم موجب قصاص را باید در قواعد حاکم بر قصاص یافت.

### ۱-۲-۲- تعدد جنایات موجب قصاص نفس

در تعدد جنایات موجب قصاص نفس، اصل بر تعدد و عدم تداخل مجازات است یعنی تعدد سبب موجب تعدد مسبب است. بحث در تعدد جنایات موجب قصاص در جایی مطرح می‌شود که فردی اشخاص متعددی را به قتل برساند و ولی دم آن‌ها متعدد باشند. به عنوان مثال اگر مردی دو یا چند مرد را به قتل برساند قاتل در برابر جنایت‌هایی که علیه آن‌ها مرتکب شده است کشته می‌شود و اولیای دم هریک از مقتولین حق استیفای قصاص نسبت به جانی را دارند، اما در این مسئله صور متعددی قابل تصور است، مثلاً اگر بین اولیای دم مقتولین اختلاف واقع شود و هریک از آن‌ها خواهان اجرای قصاص باشند و با هم اجتماعی نکنند آیا حق قصاص برای اولیای دم مقتول اولی است یا شخصی که نام وی در قرعه بیفتد یا هریک از اولیای دم مقتولین که اراده کنند می‌توانند جانی را قصاص کنند؟

صاحب جواهر در پاسخ به این سؤالات بیان داشته که دیدگاه‌هایی در این زمینه وجود دارد؛ دلیل احتمال نخست این است که: ولی دم اولین مقتول، قبل از بقیه حق قصاص قاتل را پیدا کرده‌اند. دلیل احتمال دوم این می‌باشد که؛ علت و دلیل قصاص، قتل عمد است و از این جهت همه اولیای دم مقتولین بدون تفاوت بین مقدم و موخر بودن برابری دارند؛ پس همه آن‌ها حق استیفای قصاص را دارند و باید قرعه انداخت. دلیل سومین احتمال این می‌باشد که هنگامی که همه اولیای دم مقتولین حق استیفای قصاص قاتل را دارند این حق بدون پرداخت دیه برای آن‌ها فراهم است. پس هریک از آن‌ها هر وقت که اراده کنند می‌تواند قاتل را قصاص کنند. از میان احتمالات بیان شده قوی‌ترین احتمال، احتمال اخیر است. با این توضیح اگر ولی دم آخرین مقتول، قاتل را قصاص کردند بر آن‌ها نه عسرو حرج است و نه معصیت کرده‌اند. برعکس احتمال اول و دوم، ثمره این احتمال این است که ولی دم همه مقتولین جز کیفر قصاص حق دیگری بر جانی ندارند. اما اگر گفته شود که تنها ولی دم اولی یا ولی دم مقتولی که از قرعه بیرون بیاید حق استیفای قصاص قاتل را دارند نه دیگران، از نظر روایات از قوت چندانی برخوردار نیست (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۳۴).

اما سؤالی که در این جا باقی می‌ماند، آن است که در صورت تعدد جنایت موجب قصاص (وحدت قاتل و تعدد مقتولین)، اولیای دم همه مقتولین تقاضای قصاص کنند ولی یکی از آنان در اجرای قصاص از دیگران سبقت بگیرد آیا دیگران می‌توانند دیه بگیرند؟ همچنین اگر اولیای دم مقتول اولی مبادرت به قصاص کند و اولیای دم مقتول بعدی خواهان مطالبه دیه باشند تکلیف چیست؟ در این جا قاعده «لا یبطل

دم امراء مسلم» بیان می‌دارد که می‌توانند دیه بگیرند و در مقابل قاعده «لایجنی الجانی علی اکثر فی نفسه» دلالت بر این دارد که نمی‌توانند دیه بگیرند. حال کدام قاعده باید اجرا شود؟ در این خصوص نظرات متفاوتی بیان شده است که لازم است در پژوهشی مجزا به آن‌ها پرداخته شود. قانون‌گذار در مواد ۳۸۳ و ۳۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این موضوع پرداخته است. همان‌طور که از ماده ۳۸۴ استنباط می‌شود اگر یک نفر چند نفر را به قتل برساند، صاحبان حق قصاص به تنهایی می‌توانند اقدام به قصاص کنند و نمی‌توانند اخذ دیه کنند مگر این که جانی به دادن دیه راضی باشد.

#### ۲-۲-۲- تعدد جنایات موجب قصاص عضو

تعدد جنایت مستوجب قصاص عضو زمانی رخ می‌دهد که کسی جنایت مادون نفس بر فردی واحد یا افراد متعددی وارد کند که در این حالت اگر شرایط استیفای قصاص مهیا باشد مرتکب در قبال تمام جنایات ارتكابی مستحق قصاص می‌باشد؛ یعنی در این مورد قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد. صاحب جواهر در مورد شخصی که ابتدا انگشتان دست یکی و سپس مشابه همان دست از دیگری را برد، چنین حکم داده است: «اگر شخصی انگشت دست مردی را قطع کند و سپس دست دیگری را، نخست به دلیل قطع انگشتان دست قصاص شده و بعد از آن به موجب قطع دست قصاص می‌گردد اما در این حالت جانی ملزم به پرداخت دیه انگشت یا انگشتان قطع شده است. زیرا دستی که قطع می‌شود ناسالم و فاقد انگشت یا انگشتان است درحالی که دست مجنی علیه سالم بوده و چنانچه موضوع بالعکس باشد یعنی ابتدا دست شخصی را قطع کرده و بعد از آن، انگشت دیگری را برد، در این حالت نیز مانند حالت فوق ابتدا به خاطر قطع دست قصاص می‌شود و سپس به سبب انگشتی که قطع نموده است باید دیه بپردازد» (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۸۸). این مورد ناظر به زمانی است که جانی مرتکب تعدد جنایت مستوجب قصاص عضو بر افراد متعددی شود که قانون‌گذار به تبعیت از حکم فوق در ماده ۳۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>۳</sup> مقرر داشته است.

۳- ماده ۳۹۲: هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای چند نفر وارد کند، اگر امکان قصاص همه آن‌ها باشد، قصاص می‌شود و اگر امکان قصاص برای همه جنایات نباشد مجنی علیه اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است، در استیفای قصاص مقدم است و در صورت انجام قصاص، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر وقوع دو جنایت، در یک زمان باشد، هریک از دو مجنی علیه می‌توانند مبادرت به قصاص کنند و پس از استیفای قصاص، برای دیگر جنایتهایی که قصاص ممکن نیست، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم

حکم ماده ۳۹۲ ناظر به زمانی است که جانی واحد و مجنی علیه متعدد باشند اما در تعدد جنایت موجب قصاص عضو در صورتی که جانی و مجنی علیه واحد باشند می‌توان به حکم ماده ۳۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «اگر به علت یک یا چند ضربه، جنایات‌های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید، حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می‌تواند درباره بعضی با مرتکب مصالحه نماید، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند.» حال اگر در تعدد جنایات مستوجب قصاص عضو بر مجنی علیه واحد، امکان قصاص برخی از اعضاء وجود نداشت برابر ماده ۳۹۱ قانون حاضر که بیان می‌دارد: «هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آنها نباشد مانند این که هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد مرتکب در مقابل جنایات‌هایی که قصاص آنها امکان دارد، قصاص می‌شود و برای دیگر جنایات، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.» بنابراین، در جنایات متعدد مستوجب قصاص عضو بر مجنی علیه واحد، اگر تمام اعضای مورد جنایت در جانی وجود داشته باشد، حق قصاص برای هر جنایت ارتكابی به طور جداگانه ثابت است. اما اگر برخی از اعضای مورد جنایت در جانی موجود نباشد، برابر آنها که موجود است قصاص و برابر آنها که موجود نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب تعزیرات محکوم می‌شود.

### ۳-۲-۲- جمع تعدد جنایات موجب قصاص نفس و عضو

تعدد جنایت مستوجب قصاص نفس و عضو مربوط به زمانی است که فردی مرتکب جنایت علیه نفس و مادون نفس می‌شود، یعنی این که نسبت به یک یا چند نفر مرتکب جرح و قتل شود یا این که جنایت مادون نفس مرتکب شده اما بنا به دلایلی به قتل نفس منتهی گردد؛ که فقها مصادیقی را در این مورد مطرح کرده‌اند از جمله؛ صاحب جواهر در مورد این مسئله که اگر فردی دست یکی را قطع کند و

---

می‌شود. در صورتی که پس از قصاص اول، محل قصاص برای مجنی علیه دوم باقی باشد لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد، می‌تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌التفاوت را دیه بگیرد مانند این که مرتکب، نخست انگشت دست راست کسی و آن‌گاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت، مجنی علیه اول در اجرای قصاص مقدم است و با اجرای قصاص او، مجنی علیه دوم می‌تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیه انگشت خود را نیز از او بگیرد.

۴- ماده ۳۹۱: هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آنها نباشد مانند این که هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد، مرتکب در مقابل جنایات‌هایی که قصاص آنها امکان دارد، قصاص می‌شود و برای دیگر جنایات، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

دیگری را به قتل برساند، بیان می‌دارد که اگر مرتکب نخست دست یکی را قطع کند و سپس دیگری را به قتل برساند، برای این که هم ولی دم و مجنی علیه به حق خود برسند، ابتدا دست او را قصاص کرده و سپس وی را قصاص می‌کنند. همچنین اگر جانی ابتدا کسی را به قتل برساند و سپس دست دیگری را قطع کند، برای جمع میان حقیقین، نخست دست وی را قطع کرده و سپس او را از باب قصاص نفس می‌کشند. مثالی که صاحب جواهر در کتاب خود آورده است مربوط به زمانی است که جانی واحد و مجنی علیه متعدد باشند که نسبت به یکی مرتکب جنایت مادون نفس و نسبت به دیگری مرتکب جنایت مستوجب قصاص نفس می‌شود. در تعدد جنایات موجب قصاص نفس و عضو، قانون‌گذار حکمی را به طور مستقل در قانون مجازات اسلامی بیان نکرده است ولی می‌توان با وحدت ملاک از مواد ۳۸۳<sup>۵</sup> و ۳۸۴<sup>۶</sup> که بیان داشته اگر یک نفر دو یا چند نفر را به قتل برساند در برابر آن‌ها قصاص می‌شود، به طریق اولی در مواردی هم که جانی نسبت به یک نفر مرتکب جنایت مادون نفس و نسبت به دیگر مرتکب جنایت مستوجب قصاص نفس شود هم ساری و جاری دانست.

همچنین شیخ طوسی در خصوص فردی که نخست دیگری را مجروح و سپس بکشد؛ یعنی جانی واحد و مجنی علیه هم واحد باشد، چنین نظر داده است: یک - قتل پس از بهبودی از جرح اولی باشد. هریک از این جراحات حکم مخصوص به خود را دارند. چرا که بزه قتل بعد از بهبودی از جرح محقق شده است. در این حالت اولیای دم مقتول، اگر جراحات اولی سبب کیفر قصاص نباشد دیه غیرمقدر یا ارش گرفته و سپس در خصوص بزه قتل، میان کیفر قصاص و گذشت و یا دریافت دیه حق انتخاب دارند. اما در صورتی که جراحات اولی قابل قصاص باشد، مانند این که بدوا دست مجنی علیه را قطع کرده و سپس وی را بکشد، اولیای دم مقتول نسبت به جنایت اولی مخیراند که یا جانی را عفو کنند یا قصاص یا دیه بگیرند و بعد از آن در خصوص بزه قتل نفس هم به همین ترتیب می‌توانند استیفای حق کنند. دو - قتل قبل از بهبودی از جراحات اول باشد. در این جا اولیای دم مقتول میان گذشت و کیفر قصاص مختاراند. بدین نحو که اگر تصمیم به

۵- ماده ۳۸۳: اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هریک از مقتولان می‌توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند.

۶- ماده ۳۸۴: اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیای دم همه مقتولان، خواهان قصاص باشند، قاتل بدون این که دیه‌ای بپردازد، قصاص می‌شود. اگر اولیای دم برخی از مقتولان، خواهان قصاص باشند و اولیای دم مقتول یا مقتولان دیگر، خواهان دیه باشند، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاص شان، دیه آنان از اموال قاتل پرداخت می‌شود و بدون موافقت قاتل، حق أخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.



قصاص بگیرند، نخست به جای عضو قطع شده قصاص می‌کنند و سپس می‌توانند در مورد بزه قتل عفو کنند یا قصاص نمایند و به هر حال در این مورد قصاص عضو و نفس تداخل نمی‌کند. اما اگر تصمیم بر آن شد که گذشت کنند ارش عضو در دیه نفس تداخل می‌کند و تنها می‌تواند دیه نفس بگیرد. حکمی که شیخ طوسی در این مسئله بیان داشته مربوط به حالتی است که جنایت مادون نفس وارده بر مجنی علیه واحد منجر به قتل وی نشده باشد. چرا که اگر جنایت مادون نفس وارده بر مجنی علیه منجر به مرگ وی شود بسته به این که آن جنایت با یک ضربه باشد یا با ضربات متعدد باشد حسب مورد مشمول مواد ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸ و ۲۹۹<sup>۱۰</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خواهد بود، به عبارت دیگر در تعدد جنایت مستوجب قصاص نفس و عضو در صورتی که مجنی علیه واحد و جنایت وارده منجر به فوت وی شود قانون‌گذار حکم به تداخل جنایت داده است و فقط مجازات اشد اعمال می‌شود.

### ۳-۲- تعدد واقعی در جرایم مستوجب دیه

نسبت به جنایات‌های غیر عمدی یا جنایات عمدی که امکان قصاص در آن‌ها وجود ندارد یا این که نسبت به پرداخت دیه تراضی شده و یا جانی فرار کرده و امکان دسترسی به وی نباشد، دیه تعیین می‌گردد. دیه با تعدد ضرر متعدد می‌شود. از این رو در جنایات متعدد مستوجب دیه باید اصل را بر تعدد دیات و عدم

۷- ماده ۲۹۶: اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.

۸- ماده ۲۹۷: اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد.

۹- ماده ۲۹۸: اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود، چنانچه همه آن‌ها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

۱۰- ماده ۲۹۹: اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات‌ها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود. لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضو که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

تداخل آن‌ها دانست<sup>۱۱</sup>، مگر در موارد مصرح قانونی. به عبارت دیگر، اصل بر آن است که آسیب‌های متعدد موجب دیه باعث تعدد دیه است و جانی مکلف به پرداخت تمامی اعضای مورد جنایت است جز در موارد استثنایی که جانی به ازای جنایت متعدد مستوجب دیه تنها یک دیه پرداخت می‌کند. ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باره بیان می‌دارد: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آن‌ها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.» اما مواردی را که قانون مجازات اسلامی به تصریح قسمت اخیر ماده مذکور برخلاف این اصل (عدم تداخل دیات) مقرر نموده است را می‌توان شامل؛ مواد ۵۴۳ و ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی دانست. در واقع، ماده ۵۴۶ ناظر به فرضی است که رفتار مجرمانه واحد نتایج مجرمانه متعددی را پدید آورد که خود مصداقی از تعدد اعتباری است که در این صورت مجازات اشد اعمال می‌شود.

### ۳- تعدد واقعی در جرایم مختلط

آنچه که پیشتر گفته شد در خصوص تعدد واقعی در جرم واحد بود (یعنی یا همه حد یا همه قصاص و یا همه دیه) اما گاه ممکن است فردی مرتکب جرایم متعدد با مجازات‌های متنوع حد و قصاص یا حد و تعزیر یا قصاص و تعزیر شود که در این صورت قانون‌گذار در مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ و تبصره آن از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تکلیف تعدد جرایم مختلط در موارد فوق را مشخص نموده است که پیش از این، به لحاظ عدم تصریح و تعیین تکلیف چنین مواردی در قانون، قضات به ناچار دست به تفسیر قضایی از موضوع می‌زدند که بعضاً با برداشت‌ها و نتایج ناصوابی همراه بود و در برخی از موارد منجر به تشتت آرا می‌گشت که خوشبختانه این اشکال با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتفع گردیده است. در ادامه به طبقه‌بندی تعدد جرایم مختلط که در قانون ذکر شده است خواهیم پرداخت:

#### ۳-۱- تعدد جرایم حدی و مستوجب قصاص

در تعدد جرایم مستوجب حد و قصاص بنا بر قاعده «استقلال و انفراد در ایجاب کیفر» اصل بر جمع مجازات‌ها و اجرای همه آن‌ها است که در این صورت ابتدا جرایم مستوجب حد سپس جرایم موجب قصاص اجرا می‌شود. پس اگر شخصی مرتکب یک فقره قذف و نیز یک فقره قتل عمدی شود، ابتدا حد

۱۱- منظور از عدم تداخل دیه آن است که برای هر آسیب دیه جداگانه‌ای پرداخت شود و مقصود از تداخل دیه آن است که چند آسیب، تنها یک دیه پرداخت شود.

قذف بر وی اجرا می‌گردد و سپس اولیای دم می‌توانند او را قصاص کنند اما چنانچه مجازات حدی موضوع قصاص را از بین ببرد (مانند حد اعدام در تجاوز به عنف) یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد (مانند تبعید در محاربه) اجرای قصاص مقدم بر حد است مگر آن که مطالبه فوری برای اجرای قصاص نشده باشد یا گذشت مطرح شده باشد یا به دیه تبدیل شود که در این صورت مجازات حدی اجرا می‌گردد (حیدری، ۱۳۹۶، ۲۶۳). ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باره مقرر کرده است: «در تعدد جرایم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.»

### ۲-۳- تعدد جرایم حدی و یا مستوجب قصاص با تعزیر

در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر و نیز تعدد جرایم مستوجب قصاص و تعزیر برابر ماده ۱۳۵<sup>۱۲</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاعده جمع مجازات‌ها حاکم بوده و همه مجازات‌ها با هم جمع می‌شوند. اما از حیث اجراء، ابتدا جرایم مستوجب حد و قصاص و سپس جرایم تعزیری اجرا می‌شود. مانند آن که شخص مرتکب شرب خمر و توهین شده باشد که ابتدا مجازات شرب خمر و سپس مجازات توهین اجرا می‌گردد. مگر آن که حد یا قصاص سالب حیات باشند و در عین حال تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر در اجرای حد نیز نشود که در این صورت اجرای مجازات تعزیری بر حد و قصاص مقدم می‌شود. بنابراین اگر شخصی مرتکب زنا یا محصنه (که مجازات آن اعدام است) و نیز مرتکب خیانت در امانت (که حق الناس است) گردد، در این صورت ابتدا مجازات خیانت در امانت اجرا می‌شود و بعد از آن مجازات زنا محصنه اعمال می‌گردد (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۶۳).

اگرچه در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر اصل بر جمع مجازات‌ها است اما این قاعده یک استثناء دارد و آن زمانی است که مجازات حدی و تعزیر از یک جنس باشند تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باره مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات

۱۲- ماده ۱۳۵: در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر و نیز جرایم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتدا حد یا قصاص اجراء می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجراء می‌گردد.

حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به یکی و دشنام<sup>۱۳</sup> نسبت به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود. « اطلاق حکم مندرج در این تبصره برخلاف تبصره دو ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعم از آن است که جرایم مستوجب حد و تعزیر در راستای هم و در یک واقعه باشند یا نباشند، از طرفی به نظر می‌رسد که در این تبصره متفاوت بودن بزه‌دیدگان تأثیری در مجازات مرتکب مشمول حکم تعدد نداشته و مجازات‌ها در این صورت تداخل می‌کنند. بنابراین اگر آقای الف با خانم ب مرتکب رابطه نامشروع مادون زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه (موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)<sup>۱۴</sup> شود و در عین حال با خانم ج مرتکب زنا گردد، این دو مجازات براساس تبصره<sup>۱۵</sup> ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی تداخل می‌نمایند و مرتکب تنها به مجازات حدی محکوم می‌شود. اما در مورد جرم قذف به موجب قسمت اخیر تبصره ماده مذکور قضیه کمی متفاوت‌تر است و مقنن این تفاوت بزه‌دیده را باعث عدم تداخل دو مجازات و اجرای هر دو مجازات دانسته است. از این رو مجازات قذف نسبت به یک شخص و توهین نسبت به شخص دیگر با هم جمع می‌شود. اما با توجه به ظاهر این تبصره اگر قذف نسبت به یک شخص و توهین نیز نسبت به همان شخص صورت بگیرد کماکان مشمول حکم کلی مندرج در صدر تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد یعنی تنها باید مجازات قذف را مورد حکم قرار داد. زیرا قانون‌گذار تنها یک صورت (قذف نسبت به یک شخص و توهین نسبت به شخص دیگر) را از حکم تبصره خارج کرده است، با این استدلال باید حکم مندرج در صدر تبصره فوق را در مورد قذف و افترا نسبت به یک بزه‌دیده را نیز جاری دانست و در این مورد فقط مجازات حدی را مورد حکم قرار داد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ۲۳۸).

۱۳- قانون‌گذار در این جا سهواً از کلمه دشنام (که اخص از توهین) استفاده کرده است، اما چون این قسمت از تبصره برگرفته از ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی است و با توجه به این که در ماده مذکور مقنن تنها به توهین اشاره داشته نه دشنام، پس می‌توان نتیجه گرفت که منظور مقنن از دشنام در تبصره مزبور همان توهین است.

۱۴- ماده ۶۳۷- هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.

۱۵- تبصره: در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

## نتیجه

با همه تحولاتی که در حقوق جزا پدید آمده، هنوز هم مجازات‌ها به‌عنوان لازمه حفظ نظم اجتماعی، اهمیت خود را نشان می‌دهد. اصل تناسب میان جرم و مجازات اصل اجتناب‌ناپذیری است که ایجاب می‌نماید میان فردی که برای اولین بار مرتکب بزه شده است با مجرمی که مجدداً مرتکب جرم می‌شود قائل به تفکیک شد. زیرا کسی که به ارتکاب بزه خو کرده خطرناک‌تر و جامعه‌سستیزتر از فردی است که برای اولین بار دست به ارتکاب جرم می‌زند. بنابراین، باید میان مرتکبین جرایم واحد با مرتکبین جرایم متعدد تمایز قائل شد. از این رهگذر موضوع «تعدد جرم» در سیاست کیفری موضوع اساسی و پر اهمیت است که از دیرینه تا به امروز مورد توجه حقوق جزا و حقوقدانان بوده است. تعدد مادی به‌عنوان یکی از اقسام تعدد جرم وضعیت فردی است که مرتکب جرایم متعدد مستقلاً شده است که در خصوص هیچ‌یک از آن‌ها محکومیت قطعی صادر نشده است. مقنن مقررات تعدد مادی جرم را طی مواد ۱۳۱<sup>۶</sup>، ۱۳۲<sup>۷</sup>، ۱۳۳<sup>۸</sup>، ۱۳۴ (ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)<sup>۹</sup> و ۱۳۵<sup>۱۰</sup> قانون

۱۶- ماده ۱۳۱: در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

۱۷- ماده ۱۳۲: در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد.

۱۸- ماده ۱۳۳: در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

۱۹- ماده ۱۲: ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح و چهار تبصره ذیل آن حذف می‌شود:

ماده ۱۳۴: در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است: الف- هرگاه جرائم ارتکابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند. ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هریک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل مجازات مقرر قانونی است. پ- چنانچه جرائم ارتکابی مختلف، بیش از سه جرم نباشد، مجازات هریک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند. ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است. ث- در هریک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجهی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیر قابل اجراء گردد، مجازات

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آورده است که در این میان تنها به تعدد جرایم موجب حد و تعزیر پرداخته است و تعدد جرایم مستوجب قصاص و دیه را حسب مورد به کتاب سوم (قصاص) و کتاب چهارم (دیات) ارجاع داده است.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- اشرف، صدیقه، ۱۳۸۵، قاعده جب جلوهی از رحمت الهی در باب مجازات‌ها، **مجله فقه و تاریخ تمدن**، شماره ۷ و ۸

- الهام، غلامحسین، ۱۳۷۲، **مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم**، تهران، انتشارات بشری.

- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۶، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات میزان.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات گنج دانش.

اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجراء مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجراء مجازات و عفو در حکم اجراء است. ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند. ج- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود. ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد ۲۳ یا ۲۶ این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیراشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده ۲۵ این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود. خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هریک از جرائم، مطابق مواد ۳۷ و ۳۸ این قانون اقدام می‌شود. د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نم‌یشود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

۲۰- ماده ۱۳۵: در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجراء می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حقالناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجراء حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد.

- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، تعدد جرم و آثار آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵.
- حاجی ده‌آبادی، احمد؛ باقرزادگان، امیر؛ میرزایی، محمد، ۱۳۹۵؛ جایگاه تعدد نتیجه در حقوق کیفری ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۳.
- حیدری، علی‌مراد، ۱۳۹۶، حقوق جزای عمومی، قم، انتشارات یاران.
- رجایی پور، مصطفی و ناصری، زینت، ۱۳۸۹، بررسی قاعده جب از نظر اهل سنت و مقایسه آن با نظرهای امامیه، مجله فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۶.
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلاتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب، ۱۳۹۵، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات میزان.
- شهید ثانی، ۱۳۸۴، ترجمه و تبیین شرح لمعه شهید ثانی، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالعلم.
- عمید، حسن، ۱۳۵۷، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عوده، عبدالقادر، ۱۳۸۹، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن فرهودی نیا، تهران، انتشارات احسان.
- غفوری، احمد، ۱۳۹۹، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات آریاداد.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۳، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد.
- لطفی، اسداله، ۱۳۷۷، بررسی قاعده جب (الاسلام یجب ما قبله)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۰.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ترجمه اکبر نایب زاده، تهران، انتشارات خرسندی.
- نوریها، رضا، ۱۳۸۱، زمینه جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- عربی**
- الزحیلی، وهبه، ۱۹۸۹م، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر.
- العاملی، محمد بن الحسن الحر، ۱۴۴۱ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- بهوتی، منصور بن یونس، ۱۴۱۸ق، کشاف القناع عن متن اذقناع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خوبی، سیدابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیا الخویی.

- عوده، عبدالقادر، ۱۳۹۳ق، **التشريع الجنائي الاسلامي في المذهب الخمسه مقارنا بالقانون الوضعي**، بيروت، دارالكتب العربي.
- فتحی بهنسی، احمد، ۱۹۸۸م، **نظريات في الفقه الجنائي الاسلامي: دراسه فقيهه مقارنه**، بيروت، دارالشرق.

### قوانین

- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴
- قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹
- آئین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین مصوب ۱۳۹۸



Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - Roshan Ali Shekari, Sayyed Mostafa Milani

Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - Adel Sarikhani, Mostafa Karami Pour

Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - Ebrahim Musazadeh, Mohammad Salehi

Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - Mohammad Ali Hajidehabadi, Ruhollah Shamshiri

Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Arefeh Kordi Nasab, Nafiseh Tosi, Ayda GHasem Zadeh

The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - Mahnaz Khorsandi, Asgar Jalalian

Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - Mohammad Setayesh Pur, Maryam Faraji Tark

The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - Hasan Najjarha

Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani

Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - Pouria Ebrahimzadeh, Somayeh Rahmanian

Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - Maryam SHa'ban

Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - Amir Mohammadi, Mohammadmahdi Heydari, Soheyla Moradi GHaleh

The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - Mostafa Fazaeli, Arash Maleki

Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - Saeed Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori

The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - Mohammad Setayesh Pur, Parnian Shafaei

Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Asad Akhzari Fard, Ali Mardan Ahmadi

The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - Mina Momeni, Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi

Immigrant Children's Rights in National and International Documents - Reza Khaje Nooredini, Sayede Parisa Mirabi

The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - Mostafa Karami Pour, Mona Rajabzade Baghi

Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - Maryam Kamaei

The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - Zahra Vahabi, Arash Razmi

The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - Mohammad Setayesh Pur, Fatemeh Zahra Aslan

Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - Somayeh Zilabi, Sadeh Fetili, Ebrahim Moghaddam

Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Nafiseh Dharovieh, Mohammad Rasol Ansari Nia, Neda Haghghi Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - Ali Mohammadi Jurkoye, Ahmadreza Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi

The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - Mohammad Sadeq Darivand

Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - Sadeh Fetili, Mohammad Fetili, Ebrahim Moghaddam